

به نام خدا

عنوان:

**بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌ها، تمثیلات و کنایات
کهگیلویه و بویراحمد با امثال و حکم فارسی**

به وسیله‌ی

حسین آذرشب

۱۳۸۲ / ۸ / ۲۰

پایان‌نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی
از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران
تهیه مدرک

ارزیابی شده توسط کمیته پایان‌نامه با درجه عالی

دکتر سیدمحمد مهدی جعفری دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته)

دکتر سید فضل‌الله میرقادری استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی

دکتر زهرا ریاحی زمین استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی

شهریور ماه ۱۳۸۲

۴۹۰۵۱

تقدیم به :

تقدیم به همسر متعبّد، فداکار و فرهنگ دوستم سیده جهان آفرین

موسوی که همه کارهای علمی ام را مدیون اویم.

و تقدیم به مادر مهربان و دلسوزم که گنجینه ادبیات عامیانه اند.

و تقدیم به پدر زحمتکش که با نان حلال پروردم.

و تقدیم به شهدای عالم تشیع، شاهیت منظومه بانند مبارزات

عدالت طلبانه و آزادی خواهانه تاریخ سه میلیون ساله بشری.

«سپاسگزاری»

دوستان در هوای صحبت جانان زرفشانند و ما سرافشانیم
سپاس می‌گزارم خداوند یکتا را که به بنده توفیق داد تا جرعه‌نوش دریای علم و معرفت
استادان بزرگوار دانشگاه شیراز باشم:
استاد بزرگ دکتر سید محمد مهدی جعفری که با تسلط علمی خود راهنمایی‌ام می‌کردند و
متون برتر عربی را در خدمتشان به شاگردی نشستیم.
استاد دکتر سید فضل‌الله میرقادری که هم از شاگردی ایشان بهره بردم و هم از مشاوره
ایشان.

استاد دکتر زهرا ریاحی زمین که پیوسته از مشاورات عالمانه‌شان برخوردار گشته‌ام.
استاد دکتر منصور رستگار فسائی که به اعماق فراتر از تاریخ‌مان بردند تا بر ریشه‌ای عمیق
و طویل برویم.

استاد دکتر غلامرضا افراسیابی که با افاضات همه جانبه و دقیق‌شان به ما درس دقت
آموختند.

استاد دکتر محمدحسین کرمی که بیشترین دروس را در خدمت‌شان بودیم و ای شگفتا که
اولین و آخرین جلسه درس را در محضر مبارک ایشان به کسب فیض نشستیم.
استاد دکتر اکبر صیاد کوه که دستور زبانی همه جانبه را از افاضاتشان برخوردار گشتیم.
و استاد عارف و اهل دل آقای دکتر محمد یوسف نیری که از چشمه سار زلال آب عرفان
اسلامی‌شان نوشیدیم و لیک حیف که دمی خورده بودیم و گفتند بس!
از دیگر استادان و کارمندان بخش فارسی که به راههای مختلف مدیون الطافشان شدیم نیز
سپاسگزاریم.

از برادر فرهنگ دوستم، سید عبدالآذرشب، برادرزاده عزیزم سیده اعظم آذرشب،
خواهر نازنینم سیده پرورش آذرشب و از برادر خانم گرامی‌ام سید مهدی موسوی که در انجام
پاره‌ای کارهای جنبی یاری‌ام کردند، متشکرم. «روز دگرگاه یزدان پاک عزتشان را خواستارم.

فهرست مطالب

| عنوان | صفحه |
|---|------|
| فصل اوّل : ۱ - مقدمه | ۱ |
| ۱-۱- ضرورت و اهمّیت تحقیق | ۲ |
| ۲-۱- پیشینه تحقیق | ۳ |
| ۳-۱- روش تحقیق | ۴ |
| | |
| فصل دوّم: ۲ - آشنایی مختصری با تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد و زبان لری آن | ۸ |
| ۱-۲- کلیّات | ۹ |
| ۲-۲- کهگیلویه و بویراحمد در دوران هخامنشیان | ۱۱ |
| ۳-۲- کهگیلویه و بویراحمد در زمان اشکانیان | ۱۲ |
| ۴-۲- کهگیلویه و بویراحمد در دوران ساسانیان | ۱۳ |
| ۵-۲- کهگیلویه و بویراحمد بعد از اسلام | ۱۳ |
| ۲-۵-۲- حادثه مهم کشته شدن عمر شیخ فرزند امیر تیمور گورکانی به دست عشایر بویر | ۱۴ |
| ۳-۵-۲- تأسیس حکومت محلی اتابکان لر به پایتختی مال امیرایده و مهاجرت طوایف | ۱۴ |
| ۴-۵-۲- واقعه مهم شورش به رهبری «شاه اسماعیل دروغین» است | ۱۴ |
| ۵-۵-۲- جنگ کریم خان زند با طایفه لیراوی دشت کهگیلویه | ۱۵ |
| ۶-۵-۲- حوادث مهم ۱۳۰۷ تا ۱۳۴۲ | ۱۵ |

- ۶-۲ پراکندگی نژادی کهگیلویه و بویراحمد ۱۵
- ۷-۲ وضعیت جغرافیایی و آثار باستانی ۱۶
- ۱-۷-۲ جغرافیای استان: ۱۶
- ۲-۷-۲ آثار باستانی استان: ۱۷
- ۸- زبان لری و پیوند آن با فارسی و خانواده زبان‌های هند و اروپایی ۱۷
- پانوشت‌ها (بخش تاریخ، جغرافی و زبان استان کهگیلویه و بویراحمد) ۲۰
- فصل سوم: ۳ - ضرب‌المثل‌ها، تمثیلات و کنایات ۲۲
- ۱-۳ ضرب‌المثل ۲۳
- ۲-۳ تمثیل ۲۴
- ۳-۳ کنایه ۲۶
- ۴-۳ متن اصلی ضرب‌المثل‌ها و ۲۹
- ۵-۳ پانوشت ۱۰۰۱
- فصل چهارم: ۴ - ضرب‌المثل‌های نامفهوم ۱۰۰۲
- فصل پنجم: ۵ - نتیجه‌گیری ۱۰۰۷
- ۵ - نتیجه‌گیری ۱۰۰۸
- ۱-۵ ۱۰۰۸
- ۲-۵ ۱۰۰۸
- ۳-۵ ۱۰۰۸
- ۴-۵ ۱۰۱۰
- ۵-۵ ۱۰۱۰

| | |
|-----------|----------------------|
| ۱۰۱۰..... | ۶-۵- |
| ۱۰۱۰..... | ۷-۵- |
| ۱۰۱۱..... | ۸-۵- |
| ۱۰۱۱..... | ۹-۵- |
| ۱۰۱۲..... | ۱۰-۵- |
| ۱۰۱۳..... | ضمیمه: واژه‌نامه لری |
| ۱۰۲۲..... | کتابنامه |

علائم اختصاری:

۱-۱- علائم اختصاری کتابها:

۱: امینی، امیرقلی (۱۳۵۰). فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصلاحات زبان فارسی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

برق: برقعی، سید یحیی (۱۳۵۱). کاوشی در امثال و حکم فارسی. قم: کتابفروشی فروغی.
پز: پرتوی آملی، مهدی (۱۳۷۴). ریشه‌های تاریخی امثال حکم، مقدمه سید ابوالقاسم انجوی شیرازی - انتشارات سنایی، چ سوم.

ثروت، منصور (۱۳۷۹). فرهنگ کنایات. تهران: انتشارات سخن، چ سوم.

جم: جمشیدی پور، یوسف (۱۳۴۷). فرهنگ امثال فارسی. تهران: کتاب فروشی فروغی.

خ: خدایار، امیرمسعود (۱۳۶۴). اندرزها و مثال‌های مصطلح در زبان فارسی. تهران: انتشارات خورشید؛ چ اول.

د: دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۰). امثال و حکم، تهران: چاپخانه سپهری، چ هفتم.

ز: رحمت نژاد، حسین (۱۳۸۱). ضرب‌المثل‌های ملل، تهران: شقایق، چ دوم.

ش: شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۸۰). دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چ اول.

شع: شعاعی، حمید (۱۳۵۱). امثال شعر فارسی. تهران: مطبوعاتی گوتنبرگ، چ اول.

شهر: شهری، جعفر (۱۳۷۰). قند و نمک. تهران: انتشارات اسماعیلیان، چ اول.

معین: معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ هشتم.

مو: موسوی، منوچهر (۱۳۷۹). فرهنگ منظوم و منثور ضرب‌المثل‌های فارسی و معادل آنها.

تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه، چ اول.

هبله: هبله رودی، محمدعلی (۱۳۳۱). جامع التمثیل. تهران: انتشارات شرکت سهامی طبع کتاب.

۱-۲- علائم اختصاری عمومی:

□: ضرب المثل جلو و عقب از یک مأخذ است.

(?): گویند را نمی شناسم.

← : رجوع به فقره بعد شود.

→ : رجوع به فقره قبل شود.

ع: شایع در بین عامه مردم.

ن.ک: نگاه کنید به. (در مواردی به جای ن.ک (ر.ک) نوشته شده است).

الفبای صوتی پایان نامه

- A = آ مثلاً در کلمه «اگر» AGAR
- Ā = آ مثلاً در کلمه «آباد» ĀBĀD
- B = ب مثلاً در کلمه «بود» BUD
- P = پ مثلاً در کلمه «پایان» PĀYĀN
- T = (ت - ط) مثلاً در کلمه «طبابت» TEBĀBAT
- S = (ث - س - ص) مثلاً در کلمات «سیب» SIB
- «کوتر» KŌSAR «صابون» SĀBUN
- J = ج مثلاً در کلمه «جمع» JAM9
- C = چ مثلاً در کلمه «چوب» CUB
- H = (ح و ه) مثلاً در کلمات «حیوان» HEYVĀN و «همه» HAME
- X = خ مثلاً در کلمه «خدا» XODĀ
- D = د مثلاً در کلمه «دختر» DOXTAR
- δ = ذ مثلاً در کلمه «ذَهَب» در عربی δAHABA
- Z = (ذ - ز - ض - ظ) مثلاً در کلمات «ذرت» ZORRAT «زهراء» ZAHRĀ9 «قرض» QARZ و «ظهر» ZOHR
- R = ر مثلاً در کلمه «راه» RĀH
- Ž = ژ مثلاً در کلمه «ژاله» ŽĀLE
- 9 = (ع - ء) در وسط و آخر مثلاً در کلمه «مأذون» MA9ZUN و کلمه «تسريع» TASRI9
- γ = غ مثلاً در کلمه «غیب» γEYB

BARF = F مثلاً در کلمه «برف»

QARI = Q مثلاً در کلمه «قاری»

KALĀḡ = K مثلاً در کلمه «کلاغ»

GĀV = G مثلاً در کلمه «گاو»

LOR = L مثلاً در کلمه «لر»

MĀH = M مثلاً در کلمه «ماه»

NĀNVĀ = N مثلاً در کلمه «نانوا»

VĀLĀ = V و مثلاً در کلمه «والا»

SEYL = Y ی مثلاً در کلمه «سیل»

GOL = O حرکت^۴ مثلاً در کلمه «گل»

MEHR = E حرکت_۱ مثلاً در کلمه «مهر»

NUR = U حرکت بلند او مثلاً در کلمه «نور»

Ü = Ü او در اوّل و نیز او مستقل مثلاً در کلمه «اونها» ÜNHĀ و ضمیر سوم شخص مفرد فارسی در

جمله «او رفت» ÜRAFT

I = I حرکت بلند ای مثلاً در کلمه «سیب» SIB

Ī = Ī ئی مستقل مثلاً محاوره ضمیره اشاره «این = ای» در جمله «ای رفت» İRAFT و ئی در آخر؛

مثلاً، در کلمه «دائی» DĀĪ

EY = EY = آئی مثلاً در کلمه «مئیل» MEYL

Ö = Ö آؤ مثلاً در کلمه «قؤم» QÖM

فصل اوّل

مقدمه

۱- مقدمه

۱-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

در عصری که انفجار اطلاعات نام گرفته و دنیا به صورت یک دهکده جهانی درآمده است، بیش از ازمینه سابق فرهنگ‌ها خصوصاً فرهنگ کشورهای فقیر در معرض خطر قرار گرفته است. صدها شبکه تلویزیونی و رادیویی، مجلات، روزنامه‌ها و کتب بی‌شمار در کنار نوارهای کاست، سی‌دی و ویدیویی با مفاهیم متعدد و در رأس آنها شبکه اینترنت به تلقین فرهنگ‌ها و باور داشت‌های بیگانه و محو مظاهر فرهنگی و معتقدات بومی مشغولند. بدین جهت باید به دنبال راهکار بود. دو وجه در پیش رو هست:

۱- کشیدن دیوار آهنین به دور خود؛ یعنی، عدم ارتباط با دنیای خارج.

۲- تقویت، گسترش و انتشار وجوه مختلف فرهنگ خودی.

وجه نخست امکان‌پذیر نیست زیرا اولاً پیشرفت علمی موانع سانسور و عدم ارتباط را از بین می‌برد ثانیاً به خاطر وجوه مثبت و سازنده‌ای که در رسانه‌ها وجود دارد ایجاب می‌کند که ما نیز چنین ارتباطی با دنیای خارج داشته باشیم.

من نسبت به وجه دوم خوش بین هستم زیرا ما ایرانیان در طول تاریخ بارها کشور خود را از دست داده‌ایم ولی فرهنگ خود را هرگز. هجوم و سیطره اسکندر مقدونی، چنگیزخان مغول، تیمور و هلاکو و لشکرکشی اعراب مسلمان به ایران هیچکدام نتوانست فرهنگ ما ایرانیان را از بین ببرد بلکه پیوسته ما بوده‌ایم که آنان را در فرهنگ خود مستحیل کرده‌ایم.

ذوق سلیم ایرانی گاه گوشه‌هایی زیبا از فرهنگ‌های دیگر اقوام را به وام گرفته است ولی

آنچنان در آن تغییر داده است که لباس ایرانی بر قامت آن جلوه گر است. فی المثل مردم حق پسند ایران، اسلام عزیز را با آغوش باز پذیرفتند و مذهب مبارز تشیع را برگزیدند و آنچنان به خدمتگزاری به وجوه مختلف اسلام و تشیع پرداختند که دیگر مسلمین گاه ایرانیان را بدعت گذار معرفی می‌کنند زیرا اسلام مترقی ایرانی را با اسلام راکد مانده خود بسیار متفاوت می‌بینند. یا در زمینه وام‌گیری لغات عربی اغلب آنان را در معنایی متفاوت با آنچه که اعراب برایشان قائلند به استخدام گرفته است و...

اینک پژوهشگر را نظر به این است که خرده فرهنگ‌های ایرانی که متأسفانه بدان بی‌مهری شده است می‌تواند به عنوان پشتیبان محکم فرهنگ ملی مورد استفاده قرار گیرد. رویکرد پژوهشگر به افسانه‌ها و پس از آن به ضرب‌المثل‌ها و کنایات مصدق این ادعا است. پژوهشگر را اعتقاد بر این بود که تعداد ضرب‌المثل‌ها و کنایات کهگیلویه و بویراحمد پیرامون دوهزار تا است ولی در عمل به چند برابر حدس خود دست یافت و می‌داند که هنوز هم مقادیر انبوهی از میوه شیرین این باغ چیده نشده است.

ایران کشوری چند قبیله‌ای است، به همین خاطر دارای تنوع چشمگیر فرهنگی است. اگر به نحو علمی و با پشتکار محققین و حمایت مالی دولت به فولکور همه ایران پرداخته شود آنقدر زیندگی در آن هست که مانع خودباختگی فرزندان این آب و خاک در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانگان گردد و صادرات زیبای فرهنگی ما را تأمین کند.

خدای را شکر می‌گویم که بالاخره توانستم چنین خدمتی را به شهر و دیار و کشور عزیز خود انجام دهم که پیوسته رؤیایش را در سر می‌پروراندم.

۱-۲ پیشینه تحقیق

تاکنون در استان کهگیلویه و بویراحمد تنها یک کتاب مختصر توسط آقای فریدون امیریان نوشته شده است تحت عنوان «ضرب‌المثل‌های کهگیلویه و بویراحمد». در این کتاب فقط حدود

هزار ضرب‌المثل آمده است که با توجه به پایان نامه پژوهشگر تنها بخشی از آنها قابل پذیرش هستند زیرا پژوهشگر ضرب‌المثل‌هایی را که در فارسی و لری یکسان هستند حذف کرده است در حالی که در آن کتاب نه تنها این نمونه‌ها به انبوه دیده می‌شوند بلکه اشعار زیادی از شاعران فارسی زبان که حکم مثل دارند بدان راه یافته است. این کتاب طبق اصول علمی نگارش نیافته است. در اواخر کتاب «تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد» از آقای نورمحمد مجیدی نیز تعداد هفتاد و چهار ضرب‌المثل آمده است.

در زمینه کنایات نیز تاکنون هیچ اثری نوشته نشده است. البته چون رقم چشمگیری از کنایات به عنوان ضرب‌المثل در کتابهای ضرب‌المثل فارسی راه یافته است چندتایی نیز در این کتاب مشهود است که تعمّدی در آن نبوده است. بنابراین پایان نامه پژوهشگر از جهت کنایات کهگیلویه و بویراحمد کاملاً بکر است.

۱-۳ روش تحقیق

روش تحقیق این پایان‌نامه میدانی - کتابخانه‌ای بود.

پژوهشگر که از نوجوانی علاقه‌مند به فرهنگ و ادب بوده است از سال‌ها پیش تاکنون هرگاه ضرب‌المثلی از مردم کهگیلویه و بویراحمد می‌شنید آن را یادداشت می‌کرد. در سال ۱۳۷۲ این جدّیت بیشتر شد در آن سال به عنوان بخشی از تلاش‌های علمی دانش‌آموزان که تقریباً از همه جای استان در بینشان دیده می‌شد از آنها خواست تا هر یک تعدادی ضرب‌المثل از منطقه خود جمع‌آوری کنند و به محقق تحویل دهند.

چون خواست خداوندگار عالم بر این قرار گرفت که موضوع رساله پژوهشگر در این راستا باشد نخست انبوه ضرب‌المثل‌ها و کنایات هر یک روی فیش جداگانه‌ای نوشته شد. سپس یگانه کتاب مربوط به موضوع پایان نامه پژوهشگر، یعنی کتاب «ضرب‌المثل‌های کهگیلویه و بویراحمد» از آقای فریدون امیریان مطالعه شد و تعدادی از ضرب‌المثل‌های آن که قابل استفاده

بود و خود یادداشت نکرده بودم روی فیش آمد و بعد چند تا از ضرب‌المثل‌های آخر کتاب تاریخ و جغرافیایی کهگیویه و بویراحمد از آقای نورمحمد مجیدی پس از آن به مطالعه تعدادی از کتابهای ضرب‌المثل دیگر پرداختم که نام آنان در کتابنامه آمده است. هدف من از مطالعه آنها یادآوری ضرب‌المثل‌های کهگیلویه و بویراحمد بوده است زیرا با توجه به اینکه مربوط به قوم لر هستند مشترکات بسیاری دارند. پژوهشگر حتی یک مورد از آنها را مستقیماً یادداشت نکرده است چونکه لهجه لری استان‌های مختلف با هم تفاوت‌هایی دارد.

هر ضرب‌المثلی که به یاد می‌آمد روی فیشی جداگانه نوشته می‌شد.

چون فیش برداری‌ها تمام شد به ترتیب الفبایی تنظیم شدند و تکراری‌ها کنار گذاشته شدند. باز هم فعالیت میدانی شروع شد. چندبار به مناطق مختلف استان سفر کردم و به جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها و کنایات پرداختم. البته در این مسافرت‌ها به حلّ ضرب‌المثل‌های مغلق نیز می‌پرداختم در هر بازگشت یافته‌های جدید به ترتیب الفبایی در جای واقعی خود قرار می‌گرفتند.

در مرحله بعدی به ترجمه و توضیح ضرب‌المثل‌ها و کنایات لری پرداخته شد. هر جا لازم بود با تمثیلی اغلاق برطرف می‌شد.

در مرحله بعد به فونوتیک نویسی پرداخته شد. برای فونوتیک نویسی به منابع مختلفی مراجعه کردم و از راهنمایی جناب آقای دکتر رحیمیان نیز بهره بردم؛ بدینوسیله از ایشان سپاسگزارم.

آخرین و مشکل‌ترین بخش، تطبیق آنها با نظایر فارسی بود. برای این کار نخست امثال و حکم دهخدا مطالعه شد و برای ضرب‌المثل‌های مختلف علائم متفاوتی وضع شد: ضرب‌المثلی که معادل یا مشابه فلان ضرب‌المثل تشخیص داده می‌شد با علامت خاصی مشخص می‌شد. ضرب‌المثل‌هایی که در لری و فارسی یکسان بودند؛ مثلاً، تنها یکی از روی دیگری ترجمه شده بود با علامت ویژه‌ای مشخص می‌شد تا آن ضرب‌المثل از میان امثله لری کنار گذاشته شود. بسیاری موارد با خواندن ضرب‌المثلی، نظیر لری آن برایم یادآوری می‌شد، آن را نیز با علامت بخصوصی ممتاز می‌کردم تا بعداً ضرب‌المثل لری ملهم از آن بر روی فیش پیاده شود. پس از آن سراغ کتاب